

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

رضا خسروی
۱۱ دسمبر ۲۰۱۸

فراخوان برای تسویه حساب همگانی با امپریالیسم امریکا



دیپلماسی شل کن سفت کن... امپریالیسم امریکادر اوضاع و احوال جاری جهان، حکایت از آن دارد که اقتصاد دلاری – وال استریتی متداول در دوران معاصر تق و لق، مختل شده، پا در هواست. می رساند که نظم مستقر، دموکراسی توطئه و حقه بازی، کلاهبرداری و تنزیل خوری... مثل سابق نمی گردد، اشتغال ایجاد نمی کند، با نیروی مولد، دست و ماشین، کار و سرمایه، با مؤلفه های اصلی تولید نمی سازد، جوش نمی خورد، رشد اقتصادی، افزایش سرانه تولید، ارزش افزائی، سرمایه سازی، نوآوری، مهارت فنی، بالندگی و ابتکار، فردانگری به سود زیست جمعی را اجازه نمی هد... در یک کلام، امپراتوری پول، تکرار نمی شود، سامان نمی گیرد، به هیچ صراطی مستقیم نیست.

در اینصورت، تعجبی ندارد که آقای ترمپ، سرمایه ناطق، دیوانه یا «عاقل»! هیچ فرقی نمی کند – گنج و مشنگ، سربه هواست، امروز می گوید و فردا پس می گیرد، می بافد و می درد، فرمانده کل قواء، انگشت روی ماشه، عربده می کشد، ناسزا می گوید، نفس کش می طلبد، گرفتار نوعی عدم تحرک اقتصادی مزمن، پس رفت ماندگار اشتغال، ارزش

افزائی سرمایه، تنزل نرخ سود، بحرانی همه جانبه و ساختاری... مثل سگ هار، پارس می کند. ساده لوحی روا نیست. چون دیپلماسی شل کن سفت کن... تا ابد نمی باید. ناگفته نماند که فراخوان تروریستی جورج بوش (اکبر) در مورد «نظم نوین جهانی» طرح اشغالگرانه جورج بوش (اصغر) در مورد «خاورمیانه بزرگ»! لشکر کشی، کشور گشائی، ویرانگری، کشتار جمعی... هنوز در دستور کار کاخ سفید قرار دارد.

در این ارتباط، حقیر هم، بارها هشدار دادم، نوشتم و تکرار کردم که امریکا: دارنده و سازنده و فروشنده انواع سلاحهای ویرانگر، وسائل تعرضی، آماده و ذخیره، هسته ئی و کیمیائی و میکروبی و بیولوژیک، زمینی و بحری و هوائی و فضائی، امکانات وسیع ارتباطی، کلی پایگاههای فعال برون مرزی، یک ارتش حرفه ئی منظم، نیرومند و حاضر به یراق +گروههای ترورستی پراکنده... آدمکشان نیابتی و قیامتی؟! این سگ هار، تروریست قهار، سوار بر اسب چموش، رخس بالدار ناتو، آرام نمی گیرد، منفور و منزوی، در قله «اقتدار»! مقاصد شومی دارد. امپراتوری پول و زور، میلیتاریسم کور، قانونگریز مشهور، دشمن شعور، آزادی و استقلال... دست بردار نیست، نه می خواهد و نه می تواند زبان خوش داشته باشد، خواب نوعی فرمانروائی واحد، خودکامگی مطلق می بیند -جهانسالاری را حق خود می داند...؟!!

این وظیفه همگانی ماست: ارزش آفرینان، رنجبران، کشاورزان و صنعتگران، خلع ید شدگان، نیروی زنده کار، مولد و متفکر، زن و مرد، پیر و جوان، کارگر و کارمند، شاغل و بیکار و بازنشسته، معلمان، پرستاران، میهن دوستان، استادان متعهد، روشنفکران مسئول، نویسندگان و روزنامه نگاران گستاخ، هنرمندان جانبدار، دانشجویان و دانش آموزان شجاع، مذهبی و لامذهب... ما که می خواهیم آزاد باشیم، مستقل و متحد و سربلند زندگی کنیم، ما که از جهل و خرافات، استبداد و استعمار بیزاریم، ما که از سرسپردگی بیشتر از مرگ نفرت داریم... این وظیفه همگانی ماست تا امپریالیسم امریکا را از این «حق»! مالکیت و فرمانروائی مطلق محروم کنیم... به قول لاهوتی:

گر چرخ به کام ما نگردد کاری بکنیم تا نگردد

بوی جنگ به مشام می رسد، جنگی بزرگ، تمام عیار، میان غول های کلفت، کارتل های نفتی، کمپانی های انحصاری، شرکت های مادر و خواهر و خواهرزاده، نهادهای پولی و مالی، محافل صنعتی و تجاری، سلاطین بورس و تسلیحات و مستغلات، برای کنترل بازار بین المللی، تمام منابع طبیعی، مواد خام و انرژی... مهار زیست جمعی، تسلط انحصاری بر تولید و بازرگانی جهان.

دلایل و شواهد زنده ای وجود دارد -از اشغال یوگسلاوی و سومالی و افغانستان و عراق و لیبیا و مالی... در این یکی دو دهه اخیر گرفته تا ظهور تروریسم «اسلامی»! گسترش ماجراجویی، تحریک و تحریم، تهدید و تجاوز، ویرانگری، کشتار، ترور خلق ها، اختناق ملت ها، اشاعه خشونت، کشمکش های مذهبی، نژاد پرستی، خارجی هراسی، بیگانه ستیزی... مبنی بر این که دنیای «آزاد»! غرق بحران، زار و نزار، متعادل نیست. قرائن نشان می دهد که داده های نوین دیگر در قالب ها و ساختارهای کهن نمی گنجد، مرکز ثقل تولید، کشاورزی و صنعت و بازرگانی، از غرب به شرق منتقل شده است، گواهی می دهد که آرایش نیروهای بین المللی، کار و سرمایه، بازمانده دوران منقضی، عهد رقابت اردوگاهی، زد و بندهای پشت پرده، دیپلماسی سری... دوره «جنگ سرد»؟! دیگر با وزن مخصوص اقتصادی کشورهای ریز و درشت سرمایه داری هماهنگی ندارد. باز جغرافیای سیاسی جهان در شرف تغییری خوشونتبار قرار گرفته...

آزموده را آزمودن خطاست. دیپلماسی شل کن سفت کن... ترمپ تا ابد نمی باید. توپ و تشر این تاجر احمق + ۱۲۰۰ میلیارد دلار، ۵۰% در صد آن تخفیف مالیاتی به بخش خصوصی و مابقی سرمایه گذاری دولتی جهت ترمیم راهها و

جاده‌ها و پل‌ها، افزایش موقت اشتغال و کشش تردد و مسائل موتوری در سطح ملی فقط برای فریب افکار عمومی و آرام کردن پشت جبهه به سیاق هیتلر و شرکاء در دوران منقضی است...

اقتصاد جنگی، تولید برای اهداف نظامی، به خاطر ماجراجویی، تعرض و اشغال، ویرانگری، کشتار جمعی... میلیتاریسم افسار گسیخته برای ترور و اختناق و سرکوب، مهار خلق‌ها و ملت‌ها، جنبش کارگری در سطح ملی و بین‌المللی، کنترل مدعیان سمج، رقیبان قدیمی و جدید در شرایط اضطراری، هنوز فعال و پا برجا، ستراتژی وال استریت، محافل پولی و مالی، صنعتی و تجاری، سلاطین بورس و تسلیحات و مستغلات امریکائی، مرگانیسم و بیل گیتیس و گوگلیسم و آمازونیسیم... را دنبال می‌کند.

بیخود نیست که امپریالیسم کلفت امریکا - مدعی «جهانسالاری»! تنها می‌تازد، خود سرانه، به نام همه کشورهای جهان تصمیم می‌گیرد، طرح و برنامه ریزی می‌کند، برای این و آن خط و نشان می‌کشد، در مورد تمام مسائل کلیدی... حرف آخر را می‌زند. آقای «کاخ سفید»! شریک نمی‌پذیرد، رقیب نمی‌خواهد... به فکر کنترل جهان است. امپراتوری پول، در ذات خود مطلق گراست. قانون نمی‌شناسد، حساب پس نمی‌دهد. چطورا؟! خیلی ساده است. چون امپراتور، از هر قماش... اینجا خودکامگی مطلق پول، به قول مارکس، ثروت عام، نوعی دارائی «محض»!؟ تابع نظم و قانون، مطیع دولت، امپراتوری را نفی می‌کند.

این وظیفه همگانی ماست: ارزش آفرینان، رنجبران، کشاورزان و صنعتگران، خلع ید شدگان، نیروی زنده کار، مولد و متفکر، زن و مرد، پیر و جوان، کارگر و کارمند، شاغل و بیکار و بازنشسته، معلمان، پرستاران، میهن‌دوستان، استادان متعهد، روشنفکران مسئول، نویسندگان و روزنامه‌نگاران گستاخ، هنرمندان جانبدار، دانشجویان و دانش‌آموزان شجاع، مذهبی و لامذهب... ما که می‌خواهیم آزاد باشیم، مستقل و متحد و سربلند زندگی کنیم، ما که از جهل و خرافات، استبداد و استعمار بیزاریم، ما که از سرسپردگی بیشتر از مرگ نفرت داریم... این وظیفه همگانی ماست که با امپریالیسم ویرانگر امریکا تسویه حساب کنیم.

رضا خسروی